

# از جمهوری اسلامی تا "اسلام جدید اروپایی"

در حاشیه دفاع بی شرمانه جک استراو وزیر خارجه انگلیس از اسلام و جمهوری اسلامی

محمد شکوهی

mshokohi@web.de

- \* اسلام در طول تاریخ بسیار قوی بوده است.
- \* دیدگاهی که بنیادگرایی را مساوی با دین اسلام می داند با پیشینه این توحیدی آشنایی ندارد.
- \* اسلام دین طرفدار مساوات بوده و از همین رو نیروی گسترش و توسعه آن بسیار قوی بوده است.
- \* پیامبر اسلام از همان ابتدا حکومت خودش را بر اساس شورا اداره می کرد و از همان آغاز حکومت های اسلامی در دادن حقوق مردم همانند حق طلاق به زنان بسیار جلوتر از جوامع غربی بودند.

اشتباه نکنید اینها صحبت های سران رژیم اسلامی و یا امامان جماعت جمهوری اسلامی و خامنه ای و خیل دارو دسته های اسلامی تروریست نیست. اینها جوهر و چکیده نظرات و تزه های جدید جک استراو وزیر خارجه انگلیس در خصوص "اسلام جدید اروپایی" می باشد که در تازه ترین شماره ماهنامه تخصصی پراسپکت چاپ لندن منتشر شده است. این ماهنامه بنابر نوشته روزنامه همشهری چاپ تهران در روز سه شنبه ۱۶ مهر ماه منعکس کننده دیدگاههای برخی "گروههای چپ در درون حزب کارگر" انگلیس می باشد. روزنامه همشهری در آستانه سفر جک استراو وزیر خارجه انگلیس به ایران اقدام به ترجمه و چاپ مقاله وی کرده است. همشهری ضمن داشت توضیحی پیرامون مقاله وی به نقل از استراو نوشته است: بنیادگرایی مخصوص اسلام و حکومت های اسلامی نبوده و تقریباً تمام ادیان توحیدی و غیر توحیدی از این پدیده رنج می برند. جک استراو در ادامه مقاله خود پیش بینی کرده است که بزودی "اسلام جدید اروپایی" در این قاره شکل خواهد گرفت که متفاوت با "اسلام بنیادگرایان" خواهد بود. وی در این مورد به حوزه انتخابیه خودش در شهر بلکبرن واقع در شمال انگلیس اشاره کرده و می نویسد: این حوزه کوچک ۲۳ مسجد و ۲۵ هزار سکنه مسلمان دارد و من پیش بینی می کنم اینجا نیز همانند بقیه مناطق انگلیس یکی از نقاطی باشد که "اسلام جدید اروپایی" شکل می گیرد.

این مقاله جناب وزیر در شرایطی در ایران چاپ و منتشر شده است که وی در حال دیدار از ایران می باشد. استراو در دفاع از رژیم جمهوری اسلامی و بربریت حاکم در ایران سنگ تمام را گذاشته است. این سیاست بشدت جانبدارانه از رژیم صد هزار اعدام، رژیم سنگسار، قصاص، شکنجه و اعدام نقطه اوج بی شرمی و شارلاتنیسم سیاسی دولت و کشور "فخیمه" انگلیس می باشد. وی در دفاع از جانیان اسلامی گوی سبقت را از سایر شرکای اروپایی اش نظیر فرانسه و آلمان ربوده است. سیاست دولت انگلیس در برخورد به رژیم جمهوری اسلامی و دفاع این دولت از "سیستم و رژیم انتخابی مردم ایران یعنی رژیم جمهوری اسلامی" اولین بار نیست که از طرف یک مقام بلند پایه دولت بلر بر زبان جاری می شود. حمایت و میدان دادن به رژیم اسلامی، تلاش برای خریدن آبرو برای این رژیم، برقرار کردن وسیع

ترین روابط سیاسی و اقتصادی با آن در کنار سیاست "مماشات جویانه دیالوگ انتقادی" با جمهوری اسلامی در طول بیش از دو دهه حیات جمهوری اسلامی جزئی از سیاستهای دائمی انگلستان و شرکای اروپایی اش بوده است. دولت انگلیس و شخص استراو دقیقاً معنا و مفهوم جملاتی را که به کار می برند می فهمند و می دانند که کی و چگونه و با چه کسی به چه زبانی باید سخن بگویند. سقوط و ابتذال استراو به عنوان نماینده یک دولت مهم اروپایی برای دستیابی به زد و بندهای سیاسی با رژیم جمهوری اسلامی نه تنها غیر منتظره نبود، بلکه با توجه به شرایطی که در ایران و قضیه عراق و تهدیدات جنگی بوش بر علیه عراق به دنبال آورده است یک جهت گیری سیاسی بوده و بیانگر این نکته است که جناب استراو و سایر شرکای اروپایی اش به نقش رژیم اسلامی در منطقه واقف بوده و می خواهند در این اوضاع و احوال دست رژیم اسلامی را گرفته و وارد "بازی های سیاسی" مورد نظرشان در شکل دادن به جغرافیای سیاسی منطقه نمایند. ایران برای بوش و بلر در روند و چگونگی تعیین تکلیف با رژیم عراق نقش مهمی دارد و از نظر غرب باید به آن واقف بود و هر طوری شده از در "غلطیدن" رژیم اسلامی به صف مخالفان بوش و بلر و سیاستهای جنگ طلبانه شان جلوگیری کرد. برای رسیدن به اهداف استراتژیک غرب بویژه آمریکا در منطقه هر سیاستی جایز و مجاز می باشد. اگر قرار است که منافع دراز مدت غرب در منطقه حفظ و هژمونی سیاسی و اقتصادی اش تضمین بشود چرا نباید به تعریف و تمجید از جمهوری اسلامی پرداخت. تعریف و تمجیدی که از قضا در این شرایط حساس که رژیم با نفرت عمومی در داخل بسر می برد و مردم ایران سرگرم مبارزه ای جدی برای پایان دادن به عمر ننگین اش می باشند، برای هر دو طرف مهم و حیاتی می باشد. جناب استراو از اوضاع ایران بی خبر نبوده و نیست. و دقیقاً می داند که شرکایش در ایران نیاز مبرم به چنین تمجیدهایی داشته تا در روبرو شدن با اعتراضات مردم مدافعانشان در غرب و به خصوص استراو را به رخ مردم بکشند. بالاخره هر چه باشد کسب رضایت و همسویی ایران با سیاستهای غرب در قبال عراق هزینه در بر دارد. و چه بهتر است این هزینه اینطوری پرداخت شود. یعنی به مجیز گویی و تعریف و تمجید از اسلام و نماینده سیاسی آن جمهوری اسلامی پرداخت. بالاخره هر چه باشد مثال افغانستان و مداخله و مذاکرات استراو با مقامات رژیم برای جلب همکاری شان در حمایت از سیاستهای بوش به ثمر نشست و این بار هم می تواند برای "رفع سو تفاهات" و گشودن باب روابط دوستانه غرب با رژیم مفید واقع شود. اظهارات جک استراو یک توهین به مردم ایران و دفاع از قاتلین و جانپان اسلامی می باشد که زندگی مردم را بیش از دو دهه است به فنا و نابودی کشانده اند. دفاعی از بربریتی که استراو آرزوی "ظهور اروپایی اش" را در سر می پروراند. دفاع از بی حقوقی، سرکوب و ترو مردم ایران، دفاع از سنگسار و قصاص، و دفاع از ادامه همه جنایاتی می باشد که رژیم جمهوری اسلامی با حمایت های شرکایی چون استراو در حال انجام دادنش است، می باشد. جک استراو تا دیر نشده باید به خاطر همسویی با جنایات رژیم اسلامی و توهین آشکار به مردم ایران که جمهوری اسلامی و حکومت اسلامی نمی خواهند، معذرت خواهی نماید.